

ملکه‌های فلسفه

زندگی، آراء و اندیشه‌های مهم‌ترین فیلسوفان زن جهان

ریکا فاکستون و لیزا وایتینگ

ترجمه‌ی مریم رضایی



نشر سنگ



نشان استاندارد بین‌المللی محیط زیست کاغذ بالک FSC

برای تولید این کاغذ، فرایند شیمیایی انجام نمی‌گیرد، دوباره به چرخه‌ی طبیعت بازمی‌گردد و محیط زیست را آلوده نمی‌کند.

سرشناسه: باکستون، ربکا Buxton, Rebecca

عنوان و نام پدیدآور: ملکه‌های فلسفه: زندگی، آرا و اندیشه‌های مهم‌ترین فیلسوفان زن جهان/

ربکا باکستون و لیزا وایتینگ؛ ترجمه‌ی مریم رضایی.

مشخصات نشر: تهران: نشر سنگ، ۱۴۰۱. مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص. / فروست: فلسفه برای زندگی امروز؛ ۱۱.

عنوان اصلی: The Philosopher Queens: the lives and legacies of philosophy's unsung women, 2022

عنوان دیگر: زندگی، آرا و اندیشه‌های مهم‌ترین فیلسوفان زن جهان.

موضوع: زنان فیلسوف Women philosophers / سرگذشتنامه Biography / Women philosophers – Biography

شناسه افزوده: وایتینگ، لیزا / شناسه افزوده: (Policy researcher) Whiting, Lisa

شناسه افزوده: رضایی، مریم، ۱۳۶۶-، مترجم / رده‌بندی کنگره: B1۰۵ / رده‌بندی دیویی: ۱۰۸۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۳۱۶۱۹ / شابک: 978-622-7383-25-6



سایت نشر سنگ:

www.sangpublication.ir

نشر سنگ در فضای مجازی:

@sangpublication

پست الکترونیک نشر سنگ:

sangpublication@gmail.com

شماره‌ی تماس و فروش: ۰۹۱۱۶۳۱۷۰

ملکه‌های فلسفه

فلسفه برای زندگی امروز - ۱۱

نویسنده: ربکا پاکستون و لیزا وایتینگ

مترجم: مریم رضایی

ویراستار: نرگس نظیف

طراح جلد: پریا محمدی

ناشر: سنگ

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۱

چاپ سوم: بهار ۱۴۰۴

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۳-۲۵-۶

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر سنگ است.

فهرست

۷.....	پیشگفتار
۱۳.....	دیوتیما
۲۰.....	بان ژاٹو
۲۸.....	ھیاتیآ
۳۶.....	لاله
۴۴.....	مری آستل
۵۳.....	مری ولستون کرافت
۶۲.....	هریت تیلور میل
۶۹.....	جورج البوت (مری آن اوانز)
۷۸.....	ادیت اشتاین
۸۵.....	هانا آرتت
۹۴.....	سیمون دوبووار

۱۰۴	آیریس مرداک
۱۱۳	مری میدگلی
۱۲۲	الیزابت آنسکوم
۱۳۲	مری وارنوک
۱۴۲	سوفی بوزیده اولوول
۱۴۹	آنجلا دیویس
۱۵۸	آیریس ریون یانگ
۱۶۶	آنتا ال آلز
۱۷۳	درباره‌ی نویسدگان کتاب

پیشگفتار

بسیاری از افراد فکر نمی‌کنند بشود کتاب جمهوریت افلاطون را در زمره‌ی آثار فمینیستی جای داد. اما من می‌دانم که افلاطون این مسأله را مطرح کرد که زنان نیز همچون مردان توانایی مدیریت و اداره‌ی مدینه‌ی فاضله را دارند، بسیار جلوتر از عصر خویش می‌اندیشید. افلاطون از میان ادراک و نظریات سقراط چنین استدلال می‌کند که باید زنان خبره و باهوش را انتخاب کرد و در شادوش مردان از شهر حفاظت کنند. اگر این «سلاطین دنیای فلسفه» آن‌طور که اغلب از ایشان یاد می‌شود، بر جمهور مردم حکمرانی می‌کردند، باعث روشنگری خارق‌العاده‌ای در حوزه‌ی تفکر منطقی و فلسفه می‌شدند و عدالت و توازن را به شهر با می‌آوردند.

نزدیک به دو هزار سال بعد، می‌توانید همگان را به علت این تصور که خیال می‌کنند بیش‌تر آثار فلسفی جهان از آن زمان تاکنون متعلق به مردان است، ببخشید. به نظر نمی‌رسد زنان توانسته باشند این پیش‌بینی افلاطون را مبنی بر این که آن‌ها هم می‌توانند متفکران برجسته‌ای باشند، تحقق بخشیده باشند. یا دست کم، این چیزی است که امروز کتاب‌های فلسفه به تصویر کشیده‌اند.

تاریخ فلسفه عدالت را در حق زنان رعایت نکرده است. برای مشاهده این موضوع تنها کافی است به کتاب‌هایی که به تازگی در رابطه با این موضوع به چاپ رسیده‌اند، نگاهی بیندازید. در کتاب «صد متفکر کلیدی فلسفه» تنها دو چهره‌ی

شاخص زن، مری ولستون کرافت و سیمون دوبووار در جایگاه ارزشمندی قرار گرفته‌اند. در کتاب «فلاسفه بزرگ: از سقراط تا تورینگ» نام هیچ زنی قید نشده است. هر بخش از این کتاب توسط یکی از فلاسفه‌ی معاصر نگاشته شده است که آن‌ها نیز همگی مرد هستند. در زمان نگارش این کتاب، ای. سی. گریلینگ با عنوان چشمگیر «تاریخ فلسفه» کتابی منتشر کرد که در آن هیچ بخشی به زنان اختصاص داده نشده است. در این کتاب سه صفحه و نیم خلاصه‌ای از «فلسفه‌ی فمینیسم» آورده شده که تنها نام یک زن فیلسوف - مارتا نوسبوم - بدون هیچ توضیح اضافی‌ای تنها اسماً ذکر شده است. این جاست که کم‌کم آدم به فکر فرو می‌رود و متوجه موضوعی می‌شود.

بیان این نکته مهم است که وجود این جای خالی به دلیل کمبود کتاب‌های منتشر شده در حوزه‌ی فلسفه به ضرر نام نیست. درست بر عکس، حجم انبوهی از آثار موجود با تنوع گسترده‌ای از موضوعات مختلف به چاپ رسیده است، مثل، کلف و فلسفه؛ درس‌هایی از پیوندها، ارسطو و مورچه‌خوار به واشگن می‌روند و مورد آخر که مطمئناً کم‌اهمیت‌تر از موارد بقی نیست، موج‌سواری با سارتر. و با این همه تقریباً هیچ کتابی درباره‌ی آثار زنان بزرگ فیلسوف نگاشته نشده است. البته یک مورد برجسته از این اصل مستثنی است، کتاب «زنان فیلسوف» که توسط یک زن فیلسوف بزرگ، بارونس مری وارنوک بیش از بیست سال پیش نوشته شده است.

این واقعیت دارد که در حوزه‌ی فلسفه و عملاً در بیش‌تر رشته‌های دانشگاهی زنان به حاشیه رانده شده‌اند، چرا که در گذشته از تحصیل آن‌ها جلوگیری می‌کرده‌اند. سال ۱۸۸۰ چهار زن توانستند برای اولین بار در بریتانیا در رشته‌های مختلف فارغ‌التحصیل شوند و از کالج لندن مدرک دانشگاهی دریافت کنند. دانشگاه کمبریج آخرین مؤسسه‌ی بریتانیایی بود که در سال ۱۹۴۸ به زنان اجازه داد

مدرک دانشگاهی کامل دریافت کنند. ممنوعیت این مؤسسات آموزشی در قبال زنان به این دلیل بود که نقش‌های اجتماعی خاصی برای زنان در نظر می‌گرفتند که تفکر و آزادی آن‌ها را به پایین‌ترین حد ممکن تقلیل می‌داد.

اما حالا سال ۲۰۱۹ است و قطعاً همه چیز در طول یک قرن گذشته پیشرفت کرده است. اکنون زنان بیش‌تری نسبت به گذشته در رشته‌ی فلسفه تحصیل می‌کنند و در بیش‌تر دانشگاه‌ها تعداد زنان در کلاس‌های دوره‌ی لیسانس از مردان بیش‌تر است. وجود این پیشرفت، هنوز هم نابرابری جنسیتی زیادی در رتبه‌بندی‌ها و سلسله‌مراتب وجود دارد. به‌ندرت پیش می‌آید که در گروه‌های فلسفه‌ی دانشگاه‌ها نزدیک به نیمی از هیأت علمی آن‌ها را زنان تشکیل داده باشند. در سال ۲۰۱۵ در بیست دانشگاه برتر آمریکا، زنان تنها بیست و دو درصد کرسی‌های تدریس فلسفه را به خود اختصاص داده بودند. در بعضی از زیرشاخه‌های فلسفه، از دهه‌ی ۱۹۷۰ تاکنون هیچ رشدی در تعداد زنان مشاهده نمی‌شود. پس اگرچه زنان جوان بیش‌تر از هر زمان دیگر در دنیای مردانه‌ی فلسفه شیرجه زده‌اند، اما این به معنای تغییر در رده‌های بالا نبوده است. بعضی از زنان جایگاه دانشیاری و استاد تمامی می‌رسند و تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنان خنثی‌بانی می‌مانند. زنان رنگین پوست در حوزه‌ی فلسفه حتی از این هم بیش‌تر به حاشیه رانده شده‌اند و تقریباً هیچ کرسی به اقلیت‌های رنگین پوست اختصاص داده نشده است. دکتر آیتا ال. آلن در مصاحبه‌اش با روزنامه‌ی نیویورک تایمز با عنوان «سیم و امیدهای زنان سیاه‌پوست در فلسفه» به این نکته اشاره کرده است که تنها یک درصد از استادتمام‌های رشته‌ی فلسفه‌ی دانشگاه‌های آمریکا سیاه‌پوست هستند، ضمن این که تنها حدود هفده درصد این مجموعه را زنان تشکیل می‌دهند.

زمانی که ما دو نفر در دانشگاه فلسفه می‌خواندیم، می‌دانستیم در رشته‌ی ما زنان به حاشیه رانده می‌شدند و به حساب نمی‌آمدند. هر دو ما فقط تعداد انگشت‌شماری

از زنان مدرس را می‌شناختیم، در مقابل تدریس درس‌های مان همچون صدها سال پیش تحت تسلط مردان بود، مردانی که در مقابل ما قد برافراشته بودند. تعداد زنانی که در یک سیلابس درسی معمولی فلسفه به آن‌ها پرداخته می‌شود، بسیار ناچیز و تقریباً هیچ است، به جای آن تمام تمرکز صرفاً بر «مجموعه آثار فلسفی» است. اگر بخواهیم تعدادی از آن‌ها را نام ببریم، عبارتند از: افلاطون، ارسطو، دکارت، هابز، لاک، هیوم، روسو، کانت، میل، نیچه، سارتر و رالز. اغلب بسیار خلاصه به زنان اشاره‌ای می‌شود، شاید برای ارجاع به یک همکار مذکر که با وی در پروژه‌ای همکاری داشته یا، اظه‌ای داشته‌اند، اگر خوش‌شانس باشید ممکن است در سرفصل کوتاهی تحت عنوان «زنان در فلسفه» از شما یاد شود. هر بار که تلاش‌هایی مبنی بر متنوع کردن برنامه، آموزشی صورت می‌گیرد تا نظرات فلسفی مهم دیگر را هم دربرگیرد، اغلب با بی‌جالی و هياهو رسانه‌ای علیه دانشجویان و مدرسان مواجه می‌شود.

با وجود این ناکامی‌ها، هنوز هم بی‌امیدوار بودن هست. استادان فلسفه آثار برجسته‌ای برای احیا و نجات تاریخ زنان فلسف نگاشته‌اند و با این کار تضمین کرده‌اند که آرا و نظرات آنان برای نسل‌های آینده متفکران محفوظ خواهد ماند. آثار روایت‌گونه‌ی جدید در گروه تاریخ فلسفه و پروژه‌ی وکس^۱ به آثار زنان فیلسوف در سده‌های آغازین عصر مدرن بین سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی پرداخته‌اند. جامعه‌ی زنان در فلسفه (SWIP) تمامی رویدادها و برنامه‌هایی که با هدف ارتقای زنان در فلسفه در گذشته، حال و آینده وجود دارد را رصد می‌کند. مرکز تاریخ دانشمندان و فیلسوفان زن در دانشگاه پادربورن آلمان، هر سال در طول تابستان کلاس‌ها و دوره‌هایی برگزار می‌کند که به دانش‌آموزان جایگاه و نقش برجسته‌ای را که زنان در تاریخ تفکر داشته‌اند، آموزش می‌دهد. پروژه‌ی درون

پراتر دانشگاه دورهام به بررسی و آرشیو آثار برجسته‌ی چهار دانشمند آکسفورد می‌پردازد: مری میدگلی، آیریس مرداک، الیزابت آنسکوم و فیلیا فوت. همین امسال شاهد چاپ کتاب «بوار شدن» توسط یکی از نویسندگان این مجموعه کیت کرکپاتریک بودیم. همه‌ی این کارها به شکستن موانع سد راه زنان در فلسفه کمک می‌کند، چرا که این نکته را اثبات می‌کند که زنان در این رشته تازه کار نیستند. در واقع ما از مدت‌ها قبل فیلسوف بوده‌ایم.

با وجود این برای تغییر دیدگاه‌های رایج در رابطه با فلسفه راه درازی در پیش است. هنگام ساخت رابطه تبلیغاتی برای این کتاب، ما از افراد خواستیم تا تمام فیلسوفانی را که می‌شناسند برند. وقتی آن‌ها نام تمام مظنونین همیشگی را گفتند، از آن‌ها پرسیدیم آیا می‌توان نام یک زن فیلسوف را هم بگویند - هیچ کدام حتی نتوانستند نام یک نفر را بگویند.

این کتاب تلاشی در جهت تغییر این دیدگاه‌هاست. در صفحات پیش رو، ما عمداً از واژه‌ی «فیلسوف» در معنای کلی و جامع آن بهره گرفته‌ایم، چرا که باور داریم دلیل این که زنان در گذشته از رشته‌ی ما کنار گذاشته شده‌اند این است که بسیاری از آن‌ها صرفاً به عنوان فعال مدنی یا باتوان فاضل در نظر گرفته شده‌اند. این باعث شکل گرفتن تصویر رایج از یک فیلسوف شده است، یک مرد که بر صندلی راحتی‌اش تکیه زده و به فکر فرو رفته است. در عوض اکنون نعل آن فرا رسیده است که افکار بلند، پرسشگری و بینش و بصیرت این زنان که آن‌ها را لایق عنوان «فیلسوف» کرده است، شناخته و درک شود.

نویسندگان و موضوعات این کتاب هر کدام از پیشینه‌های متفاوت با ایده‌ها، تجربه‌ها و تاریخ منحصربه‌فرد و خاص خودشان نشأت گرفته‌اند. فیلسوفانی که در رابطه با آن‌ها نوشته‌ایم، پیچیده، چالش برانگیز و اغلب الهام‌بخش و در بعضی مواقع عمیقاً حیرت‌انگیز هستند. هرچند همگی شان نقش بسزایی در درک ما از فلسفه ایفا

می‌کنند. شاید راجع به بعضی از آن‌ها شنیده یا خوانده باشید. و احتمالاً با بقیه‌شان برای اولین بار در این کتاب آشنا می‌شوید. می‌توانید آن بخش از کتاب که توجه‌تان را بیش تر جلب می‌کند، انتخاب کنید و از خواندنش لذت ببرید یا این که به ترتیب جلو بروید، انتخاب با شماست. البته که زنان بسیاری بودند که ما نتوانستیم همه‌شان را در این جا بیاوریم. می‌توانید فهرستی از زنان فیلسوف را در قسمت ملکه‌های فیلسوف دیگر در پایان کتاب مشاهده کنید. شما را ترغیب می‌کنیم خودتان درباره‌ی زنانی که هر کدام از آن‌ها تحقیق کنید و به‌شخصه جلو بروید.

بنابراین اگر به زنان و افکارشان علاقه دارید، این کتاب به شما کمک می‌کند درباره‌ی بسیاری از ملکه‌های فیلسوف که نقش بسزایی در غنی کردن تاریخ فکر و اندیشه‌ی دنیای ما داشته‌اند آشنا شوید. امیدواریم به اندازه‌ی ما از آشنا شدن با این زنان لذت ببرید.

— روبکا ولیزا

لندن، ۲۰۱۹